

آثار فردی و اجتماعی زکات بر اساس آیات و روایات

حجت‌الاسلام والمسلمین عباس کوثری*

مقدمه

از مهم‌ترین فرایض الهی، زکات است که باید سبک صحیح و شرایط و حدود واقعی آن را به درستی شناخت، در غیر این صورت پرداخت‌کنندگان، از فضایل آن محروم و در فتنه مکتب‌های انحرافی گرفتار خواهند شد. زکات از واجبات مالی در دین اسلام است که بر اساس آن، مسلمانان باید مقدار معینی از ۹ قلم کالا برای مصرف در زندگی فقرا و سایر امور عمومی اجتماعی بپردازند. این ۹ کالا عبارتند از: طلا، نقره، گاو، گوسفند، شتر، گندم، جو، کشمش و خرما. مقدار پرداختی هر یک از این کالاها، متفاوت بوده و در فقه تعیین شده است. زکات از جمله مهم‌ترین واجبات است که تأکید بسیاری نیز بر آن شده است. زکات از فروع دین شمرده شده و در منابع دینی در کنار نماز و جهاد قرار گرفته و یکی از پنج ستون دین است.

مفهوم‌شناسی زکات

زکات برگرفته از «زکو» و در لغت به معنای رشد و نمو^۱، پاکیزه شدن، صلاح و پارسایی^۲ و مدح و ستایش است^۳ و معنای اصلی آن، فزونی حاصل از برکت الهی است که در امور دنیوی و پاداش اخروی کاربرد دارد.^۴ در اصطلاح فقهی و شریعت اسلام، به معنی صدقه و حقی الهی است که در اموال با شرایط خاص یا افزون بر آن، رسیدن به نصاب مقرر گردیده است؛^۵ برای

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. احمد قیومی؛ المصباح المنیر؛ ج ۱-۲، ص ۲۵۴.

۲. خلیل ابن احمد فراهیدی؛ العین؛ ج ۵، ص ۳۹۴.

۳. مبارک بن اثیر؛ النهایه فی غریب الحدیث و الاثر؛ ج ۲، ص ۳۰۷.

۴. حسین بن محمد راغب اصفهانی؛ مفردات الفاظ القرآن؛ ص ۳۸۰.

۵. محمدحسن نجفی؛ جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام؛ ج ۱۵، ص ۳.

مثال در وجوب زکات فطره شرایطی همانند فرارسیدن غروب شب عید فطر و در وجوب زکات گندم، گوسفند و مال‌التجاره، نصاب و مقدار مشخص معتبر است. مناسبت این واژه با معنای لغوی نمو، از این روست که پرداخت زکات، موجب فزونی پاداش اخروی و بالندگی و رشد اموال می‌گردد و مناسبت‌اش با معنای طهارت، به این دلیل است که زکات، سبب پاکیزگی اموال و طهارت روح از رذایل نفسانی همانند بخل و بی‌توجهی به فقرا می‌گردد؛^۱ چنان‌که قرآن فرموده است: «حُدِّ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةٌ تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا»^۲ از اموال آنها صدقه‌ای [به عنوان زکات] بگیر تا بدین وسیله آنها را پاک سازی و پرورش دهی».

اهمیت زکات

اهمیت زکات تا آنجاست که در قرآن به همراه نماز ذکر شده است و قبولی نماز، مشروط به پرداخت زکات است. امام باقر علیه السلام فرموده است: «خداوند زکات را مقرون به نماز نمود و فرمود: **أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ**؛^۳ پس فردی که نماز را به پا دارد، اما زکات ندهد؛ گویا نماز نخوانده است».^۴ قرآن پرداخت زکات را از موجبات سعادت‌مندی و از صفات مؤمنان رستگار شمرده است: «وَ الَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ».^۵ زکات، زمینه دستیابی به رحمت پروردگار است؛ چنان‌که قرآن فرموده است: «وَ رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَ يُوْنُونَ الزَّكَاةَ وَ الَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ»^۶ و رحمتم همه چیز را فرا گرفته است و آن را برای آنها که تقوا پیشه کنند و زکات را پردازند و آنها که به آیات ما ایمان می‌آورند، مقرر خواهم داشت».

زکات در شمار ارکان اسلام است؛ از همین روست که قرآن درباره مشرکان فرموده است: «فَإِنْ تَابُوا وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ»^۷ اگر توبه کنند، نماز را برپا دارند و زکات را پردازند، برادر دینی شما هستند». امام باقر علیه السلام فرموده است: «اسلام بر پنج چیز استوار گشته است: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت».^۸ امیر مؤمنان علیه السلام نیز زکات را موجب نزدیک شدن به

۱. ر.ک: همان.

۲. توبه: ۱۰۳.

۳. بقره: ۴۳.

۴. محمد بن حسن حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۹، ص ۲۲.

۵. مؤمنون: ۴.

۶. اعراف: ۱۵۶.

۷. توبه: ۱۱.

۸. محمد بن حسن حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۱، ص ۱۳.

خداوند و کفاره گناهان و بازدارنده از آتش دانسته و فرموده است:

به یقین پرداخت زکات و اقامه نماز، عامل نزدیک شدن مسلمانان به خداست. پس آن کس که زکات را با رضایت خاطر پردازد، کفاره گناهان او می‌شود و بازدارنده و نگهدارنده انسان از آتش جهنم است. پس نباید به آنچه پرداخته است، با نظر حسرت نگاه کند و برای پرداخت زکات افسوس خورد؛ زیرا آن کس که زکات را از روی رغبت پردازد و انتظار بهتر از آنچه را پرداخته، داشته باشد؛ به سنت پیامبر ﷺ نادان است و پاداش او اندک و عمل او تباه و همیشه پشیمان خواهد بود.^۱

آثار زکات

تکالیف الهی، بر اساس مصالح انسان و دور شدن از مفاسد شکل گرفته است. فرمان زکات نیز در همین راستاست و دارای آثار و برکات فردی و اجتماعی، اقتصادی، نظامی برای پرداخت‌کننده و گیرنده زکات است که به مواردی از آنها اشاره می‌شود.

الف) آثار فردی

۱. طهارت روح

قرآن خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا»^۲ از اموال مؤمنان صدقات را دریافت دار که با صدقات نفوس آنها را پاک و پاکیزه می‌سازی و رشد و برکت می‌دهی». یکی از رذایل نفسانی، بخل‌ورزی از انفاق و حرص در مال‌اندوزی است. قرآن از این رذیله با صفت «بخل» و «شُح» یاد کرده است. «شُح»، به معنای بخل توأم با حرص است که به صورت عادت درآید.^۳ بر اساس برخی روایات، «شُح» از بخل شدیدتر است. بخیل، کسی است که از آنچه دارد منع می‌کند؛ ولی انسان دارای شُح، به اموال دیگران نیز بخل می‌ورزد تا آنجا که هر چه را در دست مردم ببیند، آرزو می‌کند آن را به دست آورد؛ خواه از طریق حلال باشد یا حرام و هرگز به آنچه خداوند به او روزی داده است، قانع نیست.^۴ پرداخت زکات موجب می‌شود انسان از تعلقات مادی، آزاد و روحش از این رذایل پاکیزه گردد؛ از این رو قرآن کریم کسانی را که در اموالشان برای تقاضاکننده و محروم، حق معلوم و مشخصی قائل هستند، از

۱. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ خطبه ۱۹۹.

۲. توبه: ۱۰۳.

۳. حسین بن محمد راغب اصفهانی؛ مفردات الفاظ القرآن؛ ص ۴۴۶.

۴. محمد بن حسن حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۹، ص ۳۸.

انسان‌های کم‌طاقت و حریص استثنا می‌کند.^۱

۲. آموزش گناه

یکی از آثار زکات این است که پرداخت‌کنندگان آن، مورد مغفرت و آمرزش الهی قرار می‌گیرند و از گناهان و پلیدی پاک می‌شوند؛ چنان‌که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «الزَّكَاةُ تُدْهِبُ الذُّنُوبَ»^۲ زکات گناهان را می‌برد». امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام نیز فرموده است: «مَنْ أَعْطَاهَا طَيَّبَ النَّفْسَ بِهَا فَإِنَّهَا تُجْعَلُ لَهُ كَفَّارَةً»^۳ آن کس که زکات را با رضایت خاطر بپردازد، کفاره گناهان او می‌شود».

۳. قرب الهی

پرداخت زکات مانند مالیات‌هایی که از جانب دولت‌ها مقرر می‌شود، نیست؛ بلکه حقیقتی عبادی دارد که از روح ایمانی و اعتقادی سرچشمه می‌گیرد و زکات‌دهنده آن را برای خشنودی خدا و تقرب الهی انجام می‌دهد. از همین روست که امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام زکات را موجب نزدیک شدن اهل اسلام به خداوند دانسته است: «إِنَّ الزَّكَاةَ جُعِلَتْ مَعَ الصَّلَاةِ قُوَانًا لِأَهْلِ الْإِسْلَامِ»^۴.

۴. مصونیت از عذاب

امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام فرموده است: «فَمَنْ أَعْطَاهَا طَيَّبَ النَّفْسَ بِهَا فَإِنَّهَا تُجْعَلُ لَهُ كَفَّارَةً وَ مِنَ النَّارِ حِجَازاً وَ وَقَايَةً»^۵ آن کس که زکات را با رضایت خاطر بپردازد، کفاره گناهان او می‌شود و بازدارنده و نگهدارنده انسان از آتش جهنم است».

۵. آرامش

فرد گرفتار فقر، دچار اضطراب و دلهره در تأمین معاش است. محرومیت از نیازهای اولیه، معمولاً آرامش در عبادت و بندگی و رسیدن به وظایف الهی را از او سلب می‌کند. در این حالت زکات با تأمین نیاز مادی آنها، پریشانی را از آنان دور و با رفع تألمات روحی، زمینه را برای دستیابی به انجام تکالیف دینی و شکرگزاری فراهم می‌کند؛ چنان‌که قرآن می‌فرماید: «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ أَمَنَّهُمْ مِنْ خَوْفٍ»^۶ باید پروردگار این خانه را عبادت

۱. معارج: ۱۹-۲۵.

۲. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۲، ص ۱۹.

۳. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ خطبه ۱۹۹.

۴. همان.

۵. همان.

۶. قریش: ۳ و ۴.

کنند، همان کس که آنها را از گرسنگی نجات داد و از ترس و ناامنی ایمن ساخت».

ب. آثار اقتصادی

۱. نمو مال

اگر چه پرداخت زکات در ظاهر نقصان در مال است، اما بر خلاف تصورات و محاسبات مادی گرایانه، موجب فزونی اموال می شود؛ چنان که قرآن فرموده است: «وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ»^۱ هر چه را انفاق می کنید [چه کم و چه زیاد] خدا عوضی را جایگزین آن می کند و او بهترین روزی دهندگان است». حضرت فاطمه (س) در خطبه ای فرموده است: «فَقَرَضَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً مِنَ الشُّرْكِ وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهاً عَنِ الْكِبْرِ وَالزَّكَاةَ زِيَادَةً فِي الرِّزْقِ؛^۲ خداوند ایمان را واجب کرد تا دل ها از شرک پاک گردد و نماز را واجب کرد تا مردم را از مرض تکبر پاک کند و زکات را واجب کرد تا رزقشان زیاد شود».

شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: اگر خداوند آنچه را انفاق می کنیم، عوض می دهد؛ پس چرا من هر چه انفاق می کنم، جایگزینش نمی شود؟ امام علیه السلام فرمود: «فکر می کنی خداوند از وعده خود تخلف می کند؟». پاسخ داد: نه. امام علیه السلام فرمود: «پس چرا چنین است؟». آن مرد عرض کرد: «نمی دانم». امام علیه السلام فرمود: «اگر کسی از شما مال حلالی به دست آورد و در راه حلال انفاق کند، هیچ درهمی را انفاق نمی کند؛ مگر اینکه خدا عوضش را به او می دهد».^۳ دلیل این فزونی و نمو، این است که زکات، شکر بهره مندی از اموال است و شکر نعمت بر اساس وعده قرآن، موجب زیاد شدن نعمت است.^۴

۲. تعدیل ثروت

یکی از اهداف اقتصاد اسلامی، جریان ثروت در جامعه و عدم تمرکز آن در دست ثروتمندان است. قرآن کریم با تعیین مصارف هشت گانه برای زکات، نمونه ای زیبا از برنامه عملی خویش را برای توزیع ثروت متجلی کرده است. این موضوع زمانی روشن تر می شود که بدانیم یکی از موارد زکات، طلا و نقره سکه دار است که در اقتصاد و ثروت، نقشی تأثیرگذار ایفا می کند و افزون بر آن، مستحب بودن زکات در سرمایه کسب و کار است. قرآن می فرماید: «وَالَّذِينَ

۱. سبأ: ۳۹.

۲. محمد بن علی صدوق؛ کتاب من لایحضره الفقیه؛ ج ۳، ص ۵۶۸.

۳. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۲، ص ۴۸۶.

۴. ابراهیم: ۷.

يَكْتَنُزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ؛^۱ کسانی که طلا و نقره را گنجینه [و ذخیره و پنهان] می‌سازند و در راه خدا انفاق نمی‌کنند، به مجازات دردناکی بشارت ده». برخی روایات کسانی را که از پرداخت زکات طلا و نقره امتناع می‌ورزند، مشمول این آیه قرار داده است.^۲ بر این اساس اسلام ضمن محترم شمردن مالکیت خصوصی، مقررات خود را به‌گونه‌ای تنظیم کرده است که جامعه از آسیب‌های دو قطبی شدن مصون باشد و با تعیین عناوین خاص همانند انفال، خمس، خراج، زکات، فیهی، انفاق و... از حرکت‌های خودسرانه و نادرست جلوگیری نموده است.

۳. از بین بردن فقر

در برخی روایات، هدف از تشریح زکات زدودن فقر اعلام شده است. یحیی بن سعید می‌گوید: عمر بن عبدالعزیز مرا برای دریافت زکات به آفریقا فرستاد. پس از جمع‌آوری زکات فقیری را که به او زکات پرداخت کنم، نیافتم؛ از این رو بردگانی را خریدم و آنها را آزاد کردم.^۳ این نیافتن فقیر، نشان‌دهنده نقش زکات در از بین بردن فقر است. امیر مؤمنان علیه السلام در فرمان خویش به مالک اشتر سهم نیازمندان را در بیت‌المال یادآور می‌شود و می‌فرماید:

خدا را، خدا را، در نظر آور در خصوص طبقات پایین و محروم جامعه که هیچ چاره‌ای ندارند، از زمینگیران، نیازمندان، گرفتاران و دردمندان. همانا در این طبقه محروم و گروهی خویشنداری می‌کنند و گروهی به گدایی دست نیاز بر می‌دارند؛ پس برای خدا پاسدار حقی باش که خداوند برای این طبقه معین فرموده است. بخشی از بیت‌المال و بخشی از غله‌های زمین‌های غنیمتی اسلام را در هر شهری به طبقات پایین اختصاص ده؛ زیرا برای دورترین مسلمانان همانند نزدیک‌ترین آنان سهمی مساوی وجود دارد و تو مسئول رعایت آن هستی.^۴

این تدبیر به مسلمانان اختصاص ندارد؛ زیرا یکی از اهداف اقتصاد اسلامی، تأمین همیشگی معیشت نیازمندان حتی کافران ذمی است. امیر مؤمنان علیه السلام بر پیرمردی در مانده که گدایی می‌کرد، گذشت. حال او را جو یا شد، گفتند: مردی نصرانی است. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «تا جوان بود،

۱. توبه: ۳۴.

۲. محمد بن حسن حر عاملی؛ وسایل الشیعه؛ ج ۹، ص ۳۰؛ فضل بن حسن طبرسی؛ مجمع البیان؛ ج ۵، ص ۴۰.

۳. یوسف القرضاوی؛ فقه الزکاه؛ ج ۲، ص ۶۲۰.

۴. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ ص ۵۸۳.

از او کار کشیدید؛ اکنون که پیرمرد و درمانده شده است، او را طرد نموده‌اید. هزینه او را از بیت‌المال بدهید».^۱ زکات نیز در همین راستاست؛ زیرا فقرا، مسکینان، در راه ماندگان و بدهکاران ناتوان از پرداخت بدهی، بخشی از مصارف زکات هستند و قرآن آن را برنامه جاودانی و همیشگی اعلام کرده است.

۴. جلوگیری از رکود سرمایه

از موارد وجوب زکات، طلا و نقره سکه‌دار است که در زمان معصومین علیهم‌السلام پول رایج بوده است. یکی از دلایل آن در کتاب‌های فقهی، کلام الهی است که می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ وَ لَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ»^۲ کسانی که طلا و نقره را گنجینه [و ذخیره و پنهان] می‌سازند و در راه خدا انفاق نمی‌کنند، به مجازات دردناکی بشارت ده». خداوند در این آیه بر ترک انفاق از طلا و نقره، وعده عذاب داده است و این تنها بر ترک واجب مانند زکات منطبق است.^۳

ج. آثار نظامی

تقویت بنیه دفاعی

یکی از مصارف زکات با عنوان «فِي سَبِيلِ اللَّهِ» ذکر شده است. در اینکه جهاد از مصادیق روشن «سبیل الله» است، اختلافی وجود ندارد؛ اگر چه به نظر علمای شیعه درباره تمامی مصالح مسلمانان، مانند مخارج بنای مساجد و پل‌ها تعمیم دارد.^۴ اهل سنت «سبیل الله» را خاص جهاد دانسته و صرف زکات را در مصالح عمومی جایز ندانسته‌اند.^۵ در هر حال زکات می‌تواند در قدرت دفاعی جامعه اسلامی کارساز باشد.

د. آثار اجتماعی

۱. جذب مخالفان

یکی از مصارف زکات، کسانی هستند که قرآن کریم از آنها با عنوان «وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ» یاد

۱. محمد بن حسن طوسی؛ تهذیب الاحکام؛ ج ۶، ص ۲۹۳.

۲. توبه: ۲۴.

۳. حسن بن یوسف حلّی؛ تذکره الفقهاء؛ ج ۵، ص ۱۱۸؛ محمدحسن نجفی؛ جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام؛ ج ۱۳، ص ۳۱۲؛ سید ابوالقاسم خویی؛ موسوعة الامام الخویی؛ ج ۲۳، ص ۲۶۰ و ۲۶۱.

۴. محمد بن حسن طوسی؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ ج ۵، ص ۲۴۵.

۵. یوسف القرضاوی؛ فقه الزکاه؛ ج ۲، ص ۶۵۶.

نموده است. مقصود از «وَالْمَوْلَىٰ قُلُوبُهُمْ»، کسانی هستند که با گرفتن سهمی از زکات، دل‌هایشان به اسلام متمایل می‌شود و به تدریج به اسلام در می‌آیند یا اگر مسلمان نمی‌شوند، مسلمانان را در دفع دشمن یا انجام مقاصد دینی کمک می‌کنند.^۱

۲. رفع کینه از ثروتمندان

در جامعه طبقاتی که در کنار افراد مرفه، عده‌ای از نیازهای اولیه خود و فرزندان‌شان محروم باشند، نمی‌توان انتظار صلح و صفا داشت. گاه کینه و حسد در وجود این افراد، موجب نزاع و درگیری‌های خونین می‌شود که نمونه‌های تاریخی فراوانی دارد. فرمان زکات، عهده‌دار تأمین نیازمندان اعم از فقیر، مسکین و بدهکاران و درماندگان در سفر است که به این وسیله نیازمندان احساس می‌کنند اغنیا به سرنوشته آنها بی‌توجه نیستند و سهمی از فعالیت آنها مربوط به نیازمندان می‌شود. بر این اساس قرآن پس از آنکه برای مؤمنان رابطه ولایی را بیان می‌کند و با تعبیر «بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» نهایت همبستگی را اعلام می‌دارد، در صفات آنها می‌فرماید: «وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ»^۲ نماز را به پا می‌دارند و زکات می‌دهند».

شهید مطهری رحمته الله می‌نویسد:

نماز، نمونه‌ای است از رابطه خلق و خالق و زکات، نمونه‌ای است از حسن روابط مسلمانان با یکدیگر که در اثر تعاطف و تراحم اسلامی از یکدیگر حمایت، و به هم تعاون و کمک می‌کنند. این آیه و برخی آیات دیگر که ولای اثباتی عام را ذکر می‌کنند، تنها ناظر به محبت قلبی نمی‌باشند، نوعی تعهد و مسئولیت را برای مسلمین در زمینه حسن روابط مسلمین با یکدیگر اثبات می‌کنند. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیث معروف و مشهور فرمود: داستان اهل ایمان در پیوند مهربانی و در عواطف متبادل میان خودشان، داستان پیکر زنده است که چو عضوی به درد آید، سایر اعضا با تب و بی‌خوابی با او همراهی می‌کنند.^۳

فهرست منابع

۱. ابن اثیر، مبارک؛ التَّهْيَاهِ فِي غَرِيبِ الْحَدِيثِ وَ الْاَثَرِ؛ قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۷.

۱. سید محمدحسین طباطبایی؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۹، ص ۳۱۱.

۲. توبه: ۷۱.

۳. مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار؛ ج ۳، ص ۲۶۵.

٢. حر عاملى، محمد بن الحسن؛ وسائل الشيعة؛ قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام، ١٤٠٩ ق.
٣. حلى، حسن بن يوسف؛ تذكره الفقهاء؛ قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام، ١٤١٤ ق.
٤. خويى، سيدابوالقاسم؛ موسوعة الامام خويى؛ قم: مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئى، ١٤١٨ ق.
٥. راغب اصفهانى، حسين بن محمد؛ مفردات الفاظ القرآن؛ بيروت: دارالقلم و الدار الشامية، ١٤١٦ ق.
٦. شريف الرضى، محمد بن حسين؛ نهج البلاغة؛ ترجمه محمد دشتى؛ قم: نشر مشرقين، ١٣٧٩.
٧. صدوق، محمد بن على؛ كتاب من لا يحضره الفقيه؛ قم: مؤسسة النشر الاسلامى، ١٤٠٤ ق.
٨. طباطبايى، سيد محمد حسين؛ الميزان فى تفسير القرآن؛ قم: منشورات جماعة المدرسين، ١٤١٧ ق.
٩. طبرسى، فضل بن حسن؛ مجمع البيان فى تفسير القرآن؛ بيروت: دار المعرفة، ١٤٠٨ ق.
١٠. طوسى، محمد بن حسن؛ التبيان فى تفسير القرآن؛ بيروت: دار احياء التراث العربى [بى تا].
١١. _____؛ تهذيب الاحكام؛ تهران: دار الكتب الاسلاميه، ١٤٠٧ ق.
١٢. فراهيدى، احمد بن خليل؛ العين؛ قم: نشر هجرت، ١٤٠٩ ق.
١٣. فيومى، احمد؛ المصباح المنير؛ قم: مؤسسة دار الهجرة، ١٤٠٥ ق.
١٤. قرضاوى، يوسف؛ فقه الزكاة؛ بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٩٩٩ م.
١٥. كلينى، محمد بن يعقوب؛ الكافى؛ تهران: دار الكتب الاسلاميه، ١٤٠٧ ق.
١٦. مطهرى، مرتضى؛ مجموعه آثار؛ قم: انتشارات صدرا، ١٣٦٨ ش.
١٧. نجفى، محمد حسن؛ جواهر الكلام فى شرح شرائع الإسلام؛ بيروت: دار إحياء التراث العربى، ١٤٠٤ ق.